



فسادستیزی

فسادستیزی

رابرت ایروین روتبرگ

ترجمه
حسین وزیری سابقی

زمتلانت ماریار

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار این مجموعه
۸	سرآغاز
۱۲	۱. فساد: ماهیت آن
۳۱	۲. مفهوم‌سازی فساد و سنجش آن
۴۲	۳. رسیدن به دانمارک: نبرد با فساد، راهی به پیش
۵۸	۴. نمونه‌های مثبت در آمریکای لاتین
۶۹	۵. رویارویی با فساد از راه قانون و دادگاه
۸۵	۶. استوار کردن پاسخگویی و شفافیت
۱۱۴	۷. فناوری فساد را واپس می‌راند
۱۳۳	۸. عامل رهبری
۱۴۷	۹. دستیابی به پیروزی در فسادستیزی: دستور کار
۱۵۷	فرهنگ اصطلاحات
۱۵۹	نمایه

سر آغاز

فساد، کم و بیش سرطان موذی همه بدنه‌های سیاسی است. رویه‌های فاسد، همه طبقه‌ها و کاست‌ها را وحشیانه درمی‌نورد، نهادها برمی‌آشوبد، جوامع را به ویرانی می‌کشاند و همه بنیان‌های زندگی مردم را می‌آلاید. فساد، ملت‌ها، حتی پیشرفته‌ترین آن‌ها را می‌فرساید و تار و پود زندگی آنان را در هم می‌گسلد. فراتر از آن، فساد تاخت و تازگر است و بیدادگر، حکومت را فرو می‌پاشد، اولویت‌های ملی را به کزراهه و تبهکاری می‌کشاند، تاراج ثروت منابع طبیعی و دزدی موروثی را روا می‌شمارد و دستاوردهای شخصی و خانوادگی را بر سود همگانی ترجیح می‌دهد.

بسیاری از جاهای گیتی آلوده به فساد است که بیش از سه درصد از سرانه تولید ناخالص ملی را در سرزمین‌های گسترده آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین می‌مکد. حتی آمریکای شمالی هم چندان در امان نیست. بانک جهانی می‌گوید سالانه یک تریلیون دلار یا بیشتر در سرتاسر جهان، در فساد ناپدید می‌شود. [۱] شکایت از فساد، کم و بیش، در همه جای جهان، نگرانی ریشه‌ای شهروندان شده است. اتهام‌زنی و انگ‌زنی متقابل سرتاسر رسانه‌های اجتماعی را می‌پوشاند و سیاستمداران، رقیبان خود را به رفتار فاسد متهم می‌کنند. انتخابات همواره با درون‌مایه بنیادی فساد به چالش کشیده می‌شود، همچنان که به تازگی در کشورهای گوناگونی چون آرژانتین، برزیل، کانادا، السالوادور، مجارستان، هندوستان، اسرائیل، ایتالیا، کنیا، مالاوی، مکزیک، نیجریه، پاکستان، آفریقای جنوبی، تایلند، زامبیا و زیمبابوه دیده‌ایم. داد از دست فساد در زندگی سیاسی ملی چین و ایالات متحده نیز شنیده می‌شود. کوتاه اینکه فساد یکی از برجسته‌ترین مسئله‌های زمانه ماست.

پیروزی بر فساد یا دست‌کم، کاستن از رفتار فاسد سیاسی و شرکتی، به کامیابی مردم محروم و دستیابی آنان به دستاوردهای انسانی درخور، یاری

می‌دهد. نبرد با فساد در شمار کارهای بزرگی است که دستاوردهای کلی انسان را دگرگون می‌کند.

خوشبختانه اینک می‌دانیم چگونه باید با فساد به خوبی بجنگیم، چه اقدام‌هایی اثرگذار است و کدام اقدام‌ها اثرگذار نیست. می‌دانیم تغییر رفتار جمعی، پاسخی پایدار به رفتار فاسد است. همچنین، اینک می‌دانیم که رهبری پای‌بند، نقشی سرنوشت‌ساز دارد. استوار کردن نهادها، پس از زمانی است که رهبران ملی پیدایش یک فرهنگ سیاسی در برابر فساد پیوسته را اعلام و بر آن مدیریت می‌کنند. یعنی نهادها به تنهایی نمی‌توانند در برابر رویه‌های فاسد بایستند مگر آنکه رهبران با اراده سیاسی، شهروندان را برای پذیرش فرهنگ سیاسی پاکدامنی، از نظر اجتماعی آماده کرده باشند. کتاب پیش رو، همین مسئله‌ها را، به گستردگی در میان می‌گذارد، نظریه‌های پیشین درباره چگونگی و چرایی فساد را به چالش می‌کشد، از اهمیت نهادها می‌گوید و از اینکه چگونه می‌توان از دامنه فساد در زندگی دولتی و شرکتی، به گونه‌ای اثربخش کاست.

افزودن این کتاب به «مجموعه کتاب‌های دانش ضروری»^۱ رویه‌های ویرانگر فساد گوناگون در سرتاسر جهان را باز می‌تاباند و به‌طور خلاصه می‌گوید رویه‌های فاسد چگونه کاهش یافته است و می‌تواند کاهش یابد. این کتاب، راهنمای اصلاح‌گران و نیز نظریه‌پردازان و نظرسازان است. این کتاب برای خوانندگان عمومی آگاه نوشته شده است و نیز برای دانشوران، پژوهشگران و دانشجویانی که می‌خواهند خطر بیماری‌های جامعه نوین ما و چگونگی درمان آن‌ها را در یابند.

نخستین فصل کتاب می‌گوید که فساد در نظر و عمل چیست و دانشوران و کارورزان، این بیماری و پیامدهای ناگوار آن را چگونه به تصویر کشیده‌اند. فصل دوم می‌گوید چگونه می‌توان فساد را اندازه گرفت و در پی آن، چگونه می‌توان میزان فساد کشورها را با هم سنجید.

فصل سوم نشان می‌دهد کشورهای شمال اروپا، نیوزیلند و کانادا، که هم اکنون همگی در شمار کشورهای با کمترین مقدار فساد در جهان هستند و زمانی غرق رویه‌های فاسد بودند، چگونه از فساد کاستند و سپس آن را تا

اندازه بسیاری فرونشاندند. فصل چهارم، تجربه کشورها در گذار از مرحله فساد به فاسدگریزی در آمریکای جنوبی و آمریکای مرکزی را باز می‌تاباند و بویژه مورد‌های تازه در اروگوئه، شیلی و کاستاریکا را به عنوان دولت‌های با کمترین فساد در آمریکای لاتین مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

بخش پنجم با تجزیه و تحلیل دامنه‌دار نقش نظام‌های گوناگون حقوقی و قضایی در کاهش فساد آغاز می‌شود. فصل ششم نقش حساب‌رسان، بازرسان رسیدگی به شکایت، رسانه‌های آزاد کنجکاو و دیگر نمونه‌های شفافیت و پاسخگویی را دنبال می‌کند. در همین بخش، فرق میان فساد دولتی و خصوصی گفته می‌شود و از نقش شرکت‌های چند ملیتی در رویارویی با رفتار فاسد سخن به میان می‌آید. فصل هفتم می‌گوید چگونه می‌توان با بهره‌گیری از پیشرفت‌های فناوری، مانند تلفن همراه، دوربین کامپیوتر، سیستم ثبت اطلاعات با رمزنگاری، زیست‌سنجی، نظرسنجی و مانند آن‌ها، پاسخگویی را بیشتر کرد.

بخش هشتم کتاب، موردی را بازمی‌شکافد که نشان می‌دهد برای مبارزه موفقیت‌آمیز با فساد، وجود رهبری سیاسی و مسئول، ضرورت دارد. بدون یک اراده سیاسی کافی — که تاکنون بررسی شده — و کنار نهادن خردمندانة الگوهای اجتماعی موجود، فساد همچنان ماندگار خواهد بود. چون فساد از رأس هرم آغاز می‌شود، رهبری سیاسی خوب، بویژه در ایالات متحده که از آن سخن گفته شد، اهمیت بسیار دارد. فصل پایانی کتاب که از هشت فصل پیشین برگرفته شده است یک دستور کار با سیزده گام مهم را برای کامیابی در فسادستیزی ارائه می‌کند.

این کتاب بر پایه کتاب پیشین من درمان فساد (۲۰۱۷) و مقاله «فسادستیزی: چگونه می‌توان فساد سیاسی و شرکتی را پس راند» که در شماره ویژه نشریه دیدالوس (Daedalus) چاپ شده، نوشته شده است. در هر دو، بحث‌هایی دامنه‌دار درباره چگونگی نبرد با بلای فساد پایدار و کاهش آثار آن بر مردم جهان، به میان آمده است. این کتاب و نیز کوشش‌های پیش از آن، هر آنچه را که در گذشته (حتی در کشورهای اسکاندیناوی سده نوزدهم و استرالیا و نیوزیلند) در نابسامانی‌های فساد اثربخش بوده و نیز خط‌مشی‌های گوناگونی را که هم‌اینک در شماری از کشورهای پیشرفته نمونه، موفقیت‌آمیز می‌نماید،

سرآغاز ۱۱

بررسی می‌کند. این کتاب نقش‌های برجسته کوشش‌های فسادستیزی حکومت و رهبری، کمیسیون‌های بازجویی، و رسانه‌های آزاد، استقلال قضایی و فرمانروایی توانمند قانون، پابندی به اصول بازرگانی، نهادهای بین‌المللی، آرایش‌های قانونی و رهگشایی‌های فناورانه نوآور را به میان می‌آورد.

رابرت. ای. روتبرگ

۱۰ ژانویه ۲۰۲۰

فساد: ماهیت آن

فساد پیچ و تاب دارد، ناروشن است، و بیشتر وقت‌ها کژروست، اما دریافت منشأ زیربنایی آن چندان دشوار نیست. فساد، تغییر یک کالای اجتماعی — یک کالای همگانی — به یک دستاورد شخصی است. بر پایه قانونی که هندوستان در سال ۲۰۱۸ گذاشت، فساد دستیابی به «برتری» است به گونه‌ای ناروا. فساد رسیدن به «نفوذ» است از راه پرداخت‌های پنهانی یا وعده پاداش‌های دوسویه. فساد، به گونه معمول، با پول نمود می‌یابد: یک سیاستمدار فاسد یا یک کارگزار، چقدر پول از مردم دزدیده است؟ در بسیاری از کشورها هنوز هم پاکت‌های قهوه‌ای^۱ پول نقد دست به دست می‌شود. صورت‌حساب‌های بیش از واقعیت پرداخت به پروژه‌های ناتمام ساخت‌وساز و دستمزد کارکنانی که وجود ندارند تنها چند شیوه از دزدی‌های سرراست است که روی می‌دهد. کسانی که قدرت دارند نیز می‌توانند با پیشنهاد نفوذ یا دسترسی‌های ویژه ناسازگار با سود همگانی و بدون جابه‌جایی آشکار پول نقد، از سندیکاها و بنگاه‌ها — یا حتی از نهادهای سیاسی بیگانه — به گونه‌ای فسادآلود پشتیبانی کنند. فساد سیاست‌هایی را که برای همه ارزشمند است به سودشماری اندک برمی‌گرداند. «انجام دادن کارها» دلیل تراشی همیشگی فساد است. اما زیربنای کوشش‌های فسادآلود برای دستیابی به برتری بر دیگران یا رسیدن به نوعی ارتقا برای گونه‌ی انسان یک پایه و بنیان است یا حتی برای همه پستانداران: آزمندی. انگیزه دیگر «بدست آوردن آنچه که دیگران به دست می‌آورند» یا از دست ندادن برتری نسبت به دیگران. هیچکس دوست ندارد به خاطر بی‌بهرگی از درآمدهای دم‌دستی یا دست‌کم، به خاطر بی‌بهرگی از پشتیبانی — که کسانی را در جایگاه دستیابی به درآمدهای روا یا ناروا می‌گذارد — بی‌نصیب بماند

۱. پاکت‌های قهوه‌ای (Brown Envelope) شیوه‌ای در روزنامه‌نگاری است که در آن با انگیزه‌های مالی روزنامه‌نگاران را به بازتابان‌دن داستان‌های دروغین بر می‌انگیزد. م.

یا «نادان» تلقی شود. یک پلیس در حوزه نگهبانی خود می‌بیند که همکارانش چه می‌کنند. اگر دیگران به گونه‌ای ناشایست «درمی‌روند»، او نیز می‌خواهد چنین کند. اگر یک سرباز ساده راهی می‌یابد تا با صورت‌حساب‌سازی برای ساعت کار یا زورگویی، از فروشندگان کالاها و ویژه، بهره‌ای بگیرد، دیگران هم می‌خواهند با این معامله‌گر «تیزهوش» هم‌چشمی کنند.

به دیگر سخن، آزمندی، در وجود انسان نهادینه شده است. بنابراین، کنش‌های فاسد از انگیزش طبیعی و حتی منطقی برای بهبود جایگاه و درآمد انسان سرچشمه می‌گیرد. هر دوسویه گیرنده و دهنده پول که از بنیان‌های فسادند، به دنبال بهبود جایگاه خود در جهان، سودها و دستمزدهای خود، جایگاه خود در رده پاداش‌ها و حتی شناساندن خویش به مقام‌ها و افراد دارای قدرت هستند.

فساد، به گونه‌ای ژرف، بر بده و بستان استوار است، پی‌ریزی سود دوسویه، داد و ستد هدیه، و چیزی واقعی‌تر از دست دادن یا وعده‌دهی تنها. فساد دربرگیرنده باورداشت قدرت، برتری، و کاری است که افراد دارای جایگاه بهتر می‌توانند انجام دهند و اینکه این افراد چگونه می‌توانند به کسانی که دارای بخت کمتر یا جایگاهی فروتر هستند، یاری دهند. یا گاهی خودپسندی‌های خام یک بالادست، نظارت، یا پاداش‌دهی را به نمایش می‌گذارد.

فرآیندهای فساد چرخ‌های گردونه زندگی و موتور شهروندان دولتی را روغن‌کاری می‌کند تا با شتابی بیشتر در راهی خواستنی‌تر با دلگرمی بیشتر بچرخند و همواره بچرخند. در این مفاهیم آخر، فساد شیوه اختصاص منابع یا منابع کمیاب است به پیشنهاددهندگان بالاتر (نه شایسته‌ترین). فساد می‌تواند محرومیت‌های ناشی از جایگاه طبقه اجتماعی رنگ یا دین را کمتر کند و بر رفتار تبعیض‌آمیزی که نمونه‌وار با یک قوم یا اقلیت می‌شود، تا اندازه‌ای پیروز شود. یک چینی-مالزیایی یا یک بازرگان تایلندی با قومیتی درآمیخته می‌تواند با پرداخت‌های چشمگیر برای دریافت جواز یا پروانه‌ای که گونه‌ی معمول و تنها در دسترس افراد بومی است، هر مانعی برای کامیابی بنگاه خود را از میان بردارد اما نظام نابرابر همچنان پابرجاست. این همان است که برای مدت‌ها در آسیای جنوب‌شرقی روی داده است که در آن جمعیت حداکثری، فرصت‌های

برابر اقلیت‌های قوم‌های دیگر را نادیده می‌گرفتند. اقلیت‌های قومی دیگر به گونه‌ای، امتیازها و بخت از دست رفته برای شکوفایی خود را، با پرداخت پاداش به کسانی که صاحب قدرت بودند به آرامی بازیافتند. [۱]

تعریف‌ها

تعریف استاندارد فساد عبارت است از «کاربرد نادرست اداره دولتی برای سود شخصی». شفافیت بین‌الملل^۱ و نهادهای دیگر تعریف همه‌جانبه‌ای ارائه دادند و گفتند فساد تنها کاربرد نادرست اداره دولتی نیست، بلکه کاربرد نادرست «اعتماد همگانی» است، بدین‌سان، هنگامی که مقام‌های فیفا قاعده عادلانه‌ی پیشنهاددهی برای جام جهانی و دیگر مسابقه‌های منطقه‌ای را برهم زدند، مصداق کاربرد نادرست اعتماد همگانی بود، اگرچه هیچ‌یک از مقام‌ها یا اعضای هیأت فیفا برای اداره «دولتی» برگزیده نشدند.

دانشوران، کارورزان، و مقام‌های دولتی به گونه‌ای فراگیر این تعریف را پذیرفته‌اند. هیچ‌یک از این تعریف‌ها به چالش کشیده نمی‌شود، هیچ تفسیرگری هم، امروز، در برابر جهان روایی این تعریف‌ها، بگومگو نمی‌کند. هرکشوری قوانینی دارد که از فساد، به گونه‌ای که در اینجا آمده، جلوگیری می‌کند.

فساد، خواه کاربرد نادرست اداره دولتی (به مفهوم محدود یا گسترده آن) باشد یا کاربرد نادرست اعتماد همگانی، روشن است که کارهای فاسد دربرگیرنده درخواست یا دریافت رشوه (خواه افراد درگیر، کالا یا خدمتی را بگیرند یا انگیزه شتاب‌دهی در خدمت‌رسانی را داشته باشند، یا ترتیبی بدهند که دیگران از سود یا مالی بی‌بهره شوند)، زورگیری (گونه‌ای پرداخت رشوه ناخواسته)، ساخت و پاخت (گونه‌ای زورگیری که در آن مبلغ قراردادها را بیشتر می‌نویسند تا برای تصمیم‌گیرندگان پیشنهادهای ساختگی جای سود و پرداخت‌های قرارداد محفوظ بماند) اختلاس (دزدی پر سرو صدا از خزانه دولتی)، خویشاوندپروری (واگذاری، یک شغل یا یک قرارداد پرسود به یک خویشاوند به جای به‌کارگیری روش‌های شایسته‌گزینی رقابتی برای آن)،

۱. شفافیت بین‌الملل (Transparency International) یک جنبش جهانی است که در بیش از یکصد کشور، پایان‌دهی به بی‌عدالتی‌های ناشی از فساد را دنبال می‌کند، دبیرخانه‌ی آن در برلین است و در سال ۱۹۹۳ بنیان‌گذاری شده است. م.

لایه‌گذاری در سیاهه‌های حقوقی با «کارکنانی که وجود ندارند»، سودجویی ناروا (واگذاری قراردادهای دولتی بدون رقابت‌های درست)، پرداخت پول حق‌السکوت یا باج‌سبیل، و اختلاس خودسرانه منابع دولتی برای کاربرد شخصی. هریک از این اعمال اختلاس، و نیز بسیاری دیگر، دربرگیرنده نیرنگ است. همه این‌ها از شفافیت و پاسخگویی، بسیار دور است.

در روزگاران گذشته و نیز در روزگار نوین، رشوه در کل جهان، شرم‌آور بود و هست، هیچ‌گاه مورد تأیید توده مردم نبود و در همه حوزه‌های قدرت و اختیار غیرقانونی بود [۲]. تصمیم‌گیری‌های دولتی همواره برای برخی یا شماری از شهروندان، باز نمود ارزشمندی داشت. بدون این باز نمود ارزشمند، فساد کمتر خواهد بود [۳]. هرگاه یک مقام دولتی از هنجار پذیرفته‌شده، دور می‌شود و در خدمت خود قرار می‌گیرد، این پدیده پرسروصدا و آشکار می‌شود، بویژه اگر همگانی یا عرفی باشد.

فساد نشان می‌دهد که یک دولت، هیأت دولتی یا بنگاه به گونه‌ای که باید عمل می‌کرد، عمل نمی‌کند. اگر حوزه‌ی اختیار، دولتی باشد، این هیأت‌های فاسد، به‌جای ارائه سطحی مناسب از خدمات، که «حکمرانی خوب» نامیده می‌شود، بر تأمین رانت یا حق‌الزحمه برای افراد مسئول تمرکز می‌کنند. (رانت، هرگونه پرداخت، افزون بر هزینه‌های لازم بر تولید یک قلم معین، به یک مالک است. حق‌الزحمه، سود یا اجرتی نارواست از یک اداره، یک کار یا یک فروش). بنابراین و در نتیجه، یک دستگاه دولتی فسادآلود در هر سطحی، مشروعیت خود را به عنوان یک تأمین‌کننده بی‌طرف، سودرسان و فراگیر خدمات به شهروندان و مالیات‌دهندگان، یا سهامداران و مصرف‌کنندگان خود، از دست می‌دهد و به گردونه‌ی ثروت‌اندوزی ناروای شخصی می‌افتد.

در روزگاران گذشته و نیز در روزگار نوین، رشوه در کل جهان شرم‌آور بود و هست. هیچ‌گاه مورد تأیید مردم نبود و در همه حوزه‌های قدرت و اختیار غیرقانونی بود. [۳]

فساد زمانی روی می‌دهد که کارگزاران دولتی یا رهبران بنگاه‌ها، تعهد خود را برای کار در راستای خیر همگانی نادیده می‌گیرند و برای سودخواهی

شخصی، زمینه‌سازی می‌کنند. به گونه‌ای که سیسرو^۱ مدت‌ها پیش گفت «فساد خیانت است در وفاداری به سود همگانی یا ناپود کردن سود همگانی.» زندگی‌نامه‌نویس جیمز باس‌ورث به نام ساموئل جانسون، فساد را بدذاتی و کژروی از اصول می‌نامد. جانسون بر این باور است که «نوع بشر در همه جا فاسد است». تازگی‌ها بیشتر تفسیرگران، فساد را «یک شراخلاق می‌نامند و پیمان‌شکنی در خدمت‌رسانی».[۴]

مقام‌های دولتی، از هرگونه، حتی آنان که سازمان‌هایی چون کمیته بین‌المللی المپیک را اداره می‌کنند باید به بی‌طرفی پای‌بند باشند، دست‌کم، این یک انتظار همگانی است. هرگاه این مقام‌ها پایبندی خود را نادیده بگیرند — هنگامی که با برتری دادن سود فرد یا گروهی، به زیان فرد یا گروهی دیگر، دستیابی به پاداش‌های شخصی یا بدرفتاری‌های دیگر به این شیوه — سوگیری می‌کنند، فاسد و فسادآلودند. آنان عدالت توزیعی^۲ را نادیده می‌گیرند. همان‌گونه که نخست وزیر و ملت‌ساز درگذشته‌ی سنگاپور، لی کوان یو، می‌گفت «باید همه از فرصت‌های کامیابی برابری برخوردار باشند.» این همان چیزی است که شهروندان «منصفانه» می‌دانند.

به گونه‌ای که سیسرو مدت‌ها پیش گفت فساد خیانت است در وفاداری به سود همگانی یا ناپود کردن آن.

هنگامی که مقام‌های دولتی و خصوصی، سود شخصی ناروای خود را به سود همگانی برتری می‌دهند، این کژروی‌های هنجاری، فسادآلود است. انجام دادن چنین کاری، توده مردم را می‌فریبد، مشروعیت را از نظام حکومتی می‌زداید، گفتمان میان دولت (یا شهرداری یا بنگاه‌ها) و شهروند یا مصرف‌کننده را به خشونت می‌کشاند، توده مردم را خوار می‌شمارد و اولویت‌ها را زیرورو می‌کند. اگر رهبران و مدیران میانی آن‌ها، بیش از آنکه در اندیشه توانگرسازی همگانی

۱. سیسرو (Cicero) سیاستمدار، حقوقدان، فیلسوف، و یکی از برجسته‌ترین سخنوران رُم که در حدود ۵۰ سال پیش از میلاد می‌زیسته است. م

۲. عدالت توزیعی (distributional justice) مفهومی مدرن است که به توزیع عادلانه ثروت و سود میان لایه‌های گوناگون جامعه پامی‌فشارد. م.

باشند، به سود شخصی خود بیندیشند، هیچ قدرت سیاسی نمی‌تواند کارگزار شهروندان و ذینفعان خود باشد. به جای آن، پل‌ها فرو می‌ریزد، جاده‌ها فرو می‌پاشد، غذاها آلوده می‌شود، دستگاه‌ها برای سود، دوره‌گردی می‌کنند، پلیس در ایستگاه‌های بازرسی، مال‌اندوزی می‌کند، گواهی تولد و ازدواج پرهزینه می‌شود، و پایه‌های یک زندگی ایمن و آسوده به مخاطره می‌افتد. [۵]

دولت تبهکار

در بخش‌های بسیاری در جهان، عامل‌های تبهکاری با رهبری اجرایی درهم آمیخته است. یعنی دولت (یا یک استان) به وسیله کسان یا سندیکاهایی به غنیمت گرفته شده است که مقام‌ها و سیاستمداران فاسد را به کار می‌گیرند و به همان اندازه هم دولت فسادآلود آن‌ها، از بنگاه‌های بناشده برای چپاول سود، پشتیبانی می‌کند. روسیه و چندین دولت از شوروی پیشین در آسیای مرکزی، رژیم‌هایی هستند که اگر تبهکار نباشند، دست‌کم، رفتار تبهکارانه دارند. دولت‌های افغانستان، بر جریان پابرجای درآمد‌های فاسد، وابستگی داشته‌اند. «هر مقام دولتی را می‌خرند، حتی ارتقاء در ارتش و پلیس نیز، وابسته پشتیبانی و خریداری است.» [۶] جریان پول، از پیمانکاران و نیروهای امنیتی آمریکا، کمک‌های خارجی و نظامیان خارجی، به گونه‌ای ناروا به وسیله مقام‌های افغانی و واسطه‌های فاسد افغانی، یک‌راست به سمت طالبان سرازیر می‌شود. در غیر این صورت لجستیک عادی از هم گسیخته می‌شود، ترابری نابسامان می‌شود و بسیاری از رابطه‌های دوسویه و پایدار بومی به خطر می‌افتد. جان اف سوپکو بازرس ویژه بازسازی افغانستان، نتیجه می‌گیرد «ما تنها آنچه پول در افغانستان ریختیم که در مسئله فساد نقش‌آفرین شدیم.» [۷]

همین وضع، تا اندازه بسیار، در مکزیک نیز هست که در آنجا سندیکاهای قاچاق مواد مخدر از مدت‌ها پیش، با دولت‌ها و حزب‌های ملی و دولتی، در هم تنیده‌اند. آفریقای جنوبی به وسیله یک خانواده سه نفره از دزدان هندی‌تبار، با همدستی رئیس جمهور ملی و خانواده و خویشاوندان او، به «غنیمت گرفته شد.» در هندوراس و گواتمالا، کارسالاران و سیاستمداران تبهکار برای دستیابی به سود دوسویه، با یکدیگر همکاری می‌کنند. نیکی هیلی سفیر پیشین آمریکا در سازمان ملل می‌گوید که در فهرست دیدبانی شورای امنیت، در بسیاری از

کشورها، فساد تنها بخشی از یک نظام ناکارآمد نبود، بلکه «خود نظام» بود. او اعلام کرد که «در کشورهایی چون ونزوئلا، دولت‌ها برای این نیستند که به مردم خدمت کنند، آن‌ها هستند تا به خود و رهبران خود خدمت کنند و فساد وسیله‌ای است که با آن این کار را انجام می‌دهند.» [۸] حتی در کانادا — که به جز این، کمتر دچار فساد است — بر پایه یافته‌های کمیسیون معتبر چاربنو^۱، پیشنهادهای دریافتی برای قراردادهای شهرداری و استانی، به گونه‌ای تبهکارانه دستکاری می‌شود.

محکومیت جهانی

مقام‌های انتخابی و غیرانتخابی، و حتی رؤسای بنگاه‌های خصوصی و دولتی بهتر می‌دانند که فساد، در هیچ نهاد بین‌المللی، قانونی نیست. به واقع، سازمان ملل، سازمان همکاری‌ها، و توسعه اقتصادی، اتحادیه آفریقا، اتحادیه اروپا، سازمان ایالت‌های آمریکا، انجمن کشورهای جنوب شرقی آسیا و بسیاری از نهادهای ملی و بین‌المللی، فساد را به روشنی محکوم کرده‌اند. بسیاری از پژوهش‌های گسترده دانشگاهی گواهی می‌دهند هیچ انجمنی نیست که فساد را تأیید کند، شماری از فرهنگ‌های سنتی که هدیه دادن را می‌پذیرند، نیز انتظار دارند که این هدیه‌ها، شفاف باشد.

گرایش بنیادی به آزمندی در انسان به گونه‌ای است که همواره به دنبال برتری است، فساد در جهان امروزی، کمیاب نیست. گذشته از آن، فساد پدیده‌ای باستانی است که در تمدن باستانی بین‌النهرین آزموده شده است و از آن زمان تاکنون نیز کسان بسیار آن را آزموده‌اند. شهروندان عادی و نیز شهروندان نیک‌تبار همواره به دنبال برتری بوده‌اند. قدرتمندان در دوره‌های آغازین دریافتند دروازه‌بان بودن، مزیت‌هایی دارد که می‌تواند به ثروت شخصی کلان بینجامد. دروازه‌بانان، هم در آلمان و هم اینک، «برانگیخته می‌شوند» تا در برابر یک «جایگزین» امتیاز بدهند. حماسه‌های هند باستان برای از بین بردن اهریمن به روشنی از رشوه‌دهی سخن می‌گویند. صاحب‌منصبان بلندپایه

۱. کمیسیون چاربنو (Charbonneau Commission) کمیسیون مدیریت قراردادهای دولتی در کبک کانادا برای پیشگیری از فسادهای احتمالی است. م.

هلندی در سده هیجدهم مقام‌های دولتی پرسود را می‌فروختند تا هنگامی که خریداران (صاحب‌منصبان تازه)، توده مردم را چپاول کرده، درآمدها را به جیب بزنند. دانمارکی‌های سده هیجدهم و آمریکایی‌ها، بریتانیایی‌ها، و کانادایی‌های سده نوزدهم نیز چنین بودند. در سده نوزدهم، یکی از نخست‌وزیران کانادایی پروانه ساخت راه‌آهن را پی در پی می‌فروخت و درآمدهای اضافی را برای خود نگه می‌داشت. یکی از رؤسای جمهور گواتمالا در سده بیست و یکم پول چینی می‌گرفت تا کشورش را از وابستگی به تایوان برهاند و نتیجه را بدزدد. در همان کشور، یک دادگاه معاون پیشین آن را به جرم کلاهبرداری دولتی از یک شرکت شیمیایی خارجی، به پانزده سال حبس محکوم کرد. کشورها و پیمانکاران همیشه می‌خواهند برای دستیابی به نتیجه مطلوب، پول پردازند، قطع نظر از اینکه درآمد به دست آمده چقدر مسئله‌ساز باشد.

افلاطون، ارسطو، ابن خلدون، توماس هابز، جورج ایوت و تفسیرگران بی‌شمار در همه زمان‌ها و دوران‌ها، دریافته‌اند که فساد به همان اندازه که نفرت‌انگیز است ریاکارانه هم است. رئیس‌جمهور تئودور روزولت نخستین مقام بلندپایه آمریکا در آغاز سده بیستم که فسادستیزی هم می‌کرد اعلام نمود فساد حکومت مردمی را نابود می‌کند و فریاد می‌زد «اگر فاسدان را در اداره دولتی بگماریم، به فسادشان با تحقیر تن می‌دهیم، پس ما خود خطاکاریم».

دستاوردهای اندوه‌بار

فساد، بازدارنده دستاوردهای بهداشتی پیشرفته و فرصت‌های تحصیلی، کم و بیش در همه‌جا هست. در مالاوی، وزیر آموزش و پرورش میلیون‌ها جلد کتاب درسی گرانبها را — که برای کلاس درسی نامناسب بود — خرید. او پول این ساخت و پاخت را به جیب زد و دانشجویان فرصت یادگیری را از دست دادند. یک نمونه تازه از ساخت و پاخت‌های ستمگرانه، در نیجریه روی داد که در آن دوکارفرمای بریتانیایی اکتشاف نفت، با همدستی شریکان بومی، پانزده درصد از داد و ستد ۳۰۰ میلیون دلاری را دریافت کردند و برای سود شخصی خود، از سهامداران و دولت نیجریه، کلاهبرداری کردند (خرید خانه‌های شاهانه در جزایر کارائیب).

پافشاری بر فساد در زندگی دولتی و خصوصی، چه بسا به از دست دادن

زندگی منجر شود. اگر قوانین و آئین‌نامه‌های ملی برای سود شخصی نادیده گرفته نشود — یعنی آنچه که در جنگ‌های داخلی آفریقا و آسیا به خاطر آزمندی گریزناپذیر رژیم یا تکاپو برای دستیابی به سودهای ناروا روی داد — می‌توان از پیامد ناشی از پیشامدهای ناگوار طبیعی، جلوگیری نمود. برای نمونه، ویرانی گسترده زمین‌لرزه سال ۲۰۱۶ در کاتماندو که بخش‌های بسیاری از پایتخت نپال را در هم کوبید، در پی صدور پروانه‌های ساختمانی فسادآلود برای گریز از مقررات ساختمانی روی داد. انفجار شیمیایی که به ناتوانی بدنی هزاران تن در تیان‌جین در کشور چین انجامید در رشوه‌هایی ریشه داشت که برای گریز از مقررات سخت‌گیرانه پرداخت شده بود. دستکاری‌های فسادآمیز در تأمین داروهای آنتی‌بیوتیک در اوکراین، به مرگ بیماران ایدزی انجامید. کارزارهای واکسیناسیون سرخک و فلج اطفال در آسیا و آفریقا برای دستاوردهای فسادآلود قطع شد. جنگ‌های داخلی در جمهوری آفریقای مرکزی، جمهوری دموکراتیک کنگو، و مالی همگی تا اندازه‌ای از بده‌بستان‌های فاسد (فراوان) رژیم‌های پی در پی آن‌ها بود.

فساد با قاچاق مواد مخدر، سلاح، مهاجران — و کسانی که در غیر اینصورت اسیر می‌مانند — پیوندی تنگاتنگ دارد. فساد جابه‌جایی‌های مواد هسته‌ای را آسان می‌کند و به انبوه‌سازی سلاح هسته‌ای، یاری می‌رساند. فساد به پول‌شویی وابسته است و به آن دامن می‌زند. رشد تبهکاری بین‌المللی و خیز دسته‌های تبهکار، بدون فساد — یعنی بدون پرداخت‌های پنهانی به نظام‌های دولتی، رهبران نظامی، همدستان و خبرچینان پلیس و کسانی دیگر — امکان‌پذیر نیست. یکی از پیشگامان کارزار مکزیکی برای شرایط بهتر کسب و کارها می‌پرسد «اگر مسئله فساد را چاره نکنید، چگونه می‌توانید برای مسئله خشونت و جنایت سازمان‌یافته، چاره‌اندیشی کنید؟» [۱۰]

فساد بسیاری از بحران‌های امنیتی هراسناک جهان را پدید آورده است. بسیاری از سازمان‌های تروریستی، تقریباً به طور کامل، از راه بنگاه‌های فاسد تأمین مالی می‌شوند که در بیشتر جاها با قاچاق مواد مخدر و گونه‌های دیگر